

## تحلیل و واکاوی مبانی فطری تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی

حبیب‌الله کرد<sup>۱</sup>

منصوره جلیلی<sup>۲</sup>

مختار کرد<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مبانی فطری تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی می‌باشد، امور فطری همان سرمایه‌های سرشتی است که با خلقت اولیه انسان همراه است از آنجایی که قابلیت‌های فطری در دوره ابتدایی هنوز فعلیت پیدا نکرده و به صورت کمون و نهفتگی در این دوره وجود دارد احتیاج به محیط متناسب (فطرت ثانوی) دارد و در دوره ابتدایی ظرفیت‌های بالقوه انسان همراه با تربیت صحیح باعث رشد شخصیت کودک می‌شود که بعضی از امور فطری قابلیت‌ها و سرمایه‌های اجتماعی است و شکوفایی این استعدادها وابسته به مربی آگاه می‌باشد تا بتواند تربیت اجتماعی را که در ذات هرکس وجود دارد شکوفا کند. روش پژوهش در این مطالعه ترکیبی (اکتشافی-قیاسی) بود به گونه‌ای که در راستای پاسخ به پرسش‌های پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی و نظرسنجی از متخصصان بهره گرفته شد. که از دو ابزار پرسشنامه و مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده است. یافته‌ها بر این موضوع دلالت دارد که تربیت درست با توجه به فطرت آدمی و مربی مناسب جهت شکوفا کردن استعداد اجتماعی شدن و توجه به تمام ابعاد تربیت می‌تواند موجب پرورش و شکوفایی استعدادهای متربی شود. و رسیدن به سعادت فرد را تضمین کند.

**کلیدواژه:** مبانی فطری، تربیت، تربیت اجتماعی

<sup>۱</sup> دکترای مطالعات برنامه درسی، مدرس پردیس رسالت، دانشگاه فرهنگیان استان سیستان و بلوچستان، زاهدان. Kord.habib90@yahoo.com

<sup>۲</sup> منصوره جلیلی، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، پردیس رسالت. Jalili.mansoure@gmail.com

<sup>۳</sup> کارشناس روانشناسی عمومی Mokhtarkord188@yahoo.com

انسان شایسته‌ترین موجودی است که خداوند متعال نعمت‌های خارق‌العاده‌ی چون عقل و اراده و اختیار به او ارزانی داشته است برای شکوفایی عقل و جهت‌دهی مناسب به اراده و اختیارش، نیاز به تعلیم و تربیت دارد و به همین دلیل تربیت از اهم مسائل زندگی هر انسان است و چنانچه انسانی را بدور از تربیت انسانی رها کنیم موجودی خواهد شد بدور از فرهنگ و مسائل انسانی و اجتماعی، پس شکل‌گیری شخصیت هر انسانی وابسته به تربیت است و در این راستا بایستی بهترین تلاش‌ها صورت گیرد تربیت یکی از مباحث مورد توجه ادیان و مکاتب مختلف در طول قرون و اعصار بوده است تربیت ابعاد مختلفی را داراست که یکی از بهترین این ابعاد، بعد تربیت اجتماعی می‌باشد برای تربیت اجتماعی بهترین دوران، دوران کودکی است چون کودک مثل موم نرم است که هیچ نقش و نگاری ندارد و هر شکلی را که به او داده شود را می‌پذیرد و همان می‌شود این درست عکس دوران بزرگسالی است چون در بزرگسالی شخصیت و حثیت انسان شکل گرفته و به سختی تغییر می‌یابد اگر شخصیت کودک طی نخستین سالهای زندگی به تربیت اجتماعی او توجه نشود هم خود فرد دچار مشکل می‌شود و هم دیگران را به سختی می‌اندازد فردی که در بعد اجتماعی ضعیف باشد در برقراری ارتباط با دیگران مشکل پیدا می‌کند قبول مسئولیت و شرکت در گروه‌های اجتماعی برای او مشکل می‌شود و به فردی گوشه‌گیر، منفعل، کمرو و ناتوان در اجتماع تبدیل می‌شود فلذا یکی از مهم‌ترین پیش‌فرضهای توسعه و تعالی یک کشور در تمام فرضیه‌ها، تربیت اجتماعی آن کشور است تا افراد آن جامعه در سایه این بعد از تربیت با همدلی، یگانگی و وحدت به سوی قله‌های پیشرفت حرکت کند همچنین تربیت اجتماعی کودک برای جوامع مختلف نیز از این جهت مورد توجه است که نوع روابط و حیات اجتماعی جوامع در آینده متأثر از سبک و سیاق تربیت اجتماعی کودکان است در واقع تربیت اجتماعی از جمله مسائلی است که از سوی ادیان، جوامع و فرهنگ‌های مختلف به آن تاکید فراوانی شده است و در این زمینه احادیث و آیات زیادی از قرآن وجود دارد که نشان دهنده اهمیت و جایگاه این مهم در زندگی انسان می‌باشد. پیامبران الهی برای تربیت اجتماعی و دینی جوامع انسانی از سوی پروردگار فرستاده شده‌اند که جوامع را هدایت و به تربیت راستین سوق دهند. تا هدف خلقت انسان تحقق پذیرد. از جمله آیاتی که بیان‌کننده این ویژگی مهم می‌باشند "و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمت آیه ۱۶۴ سوره آل عمران می‌باشد" که دستور تربیت، تزکیه، تعلیم حکمت و دانش به رسول خاتم داده شده است. تربیت مفهومی عمیق دارد که دارای ابعاد مختلفی از جمله اجتماعی، عرفانی، حماسی، هنری، سیاسی می‌باشد که پژوهش حاضر به بیان و تحقیق در بعد اجتماعی و واکاوی مبانی فطری اختصاص یافته و بررسی همه ابعاد آن از حوصله این نبشته خارج می‌باشد.

تربیت اجتماعی به آماده کردن افراد برای اجتماع، انجام وظیفه و شناخت مسولیت در اجتماع سعی و تلاش دارد. که هر جامعه و اجتماعی نیاز به رهبری کاردان و با تجربه دارد که جامعه را به سوی سعادت رهنمون کند و از شقاوت بر حذر دارد

پژوهش حاضر نشان می دهد که انسان همواره محور تعلیم و تربیت قرار دارد که تربیت وی باید در ابعاد مختلف مورد توجه قرار گیرد و به همه ابعاد آن توجه شود چنانچه که اگر فقط به یک بعد توجه شود و بعد اصلی آن مورد (تربیت اجتماعی) مورد توجه قرار نگیرد و دیگر ابعاد آن به فراموشی سپرده شود تربیت درست صورت نمی پذیرد و رسیدن به قله صعودی برایش غیر ممکن خواهد شد و در مسیر رسیدن باعث ناکامی می شود ضرورت و اهمیت تحقیق اشاره به ابعاد مختلف تربیت دارد که مریبان در تربیت افراد، به همه ابعاد آن توجه کنند و از برخی ابعاد آن غافل نشوند. با توجه به مسائلی که در باره تربیت گذشت، مبانی فطری چیست؟ اولین سوال تحقیق و مسئله می باشد مسئله دوم تربیت اجتماعی چیست؟ و مسئله سوم هم مبانی فطری تربیت اجتماعی چیست؟ می باشد؟ که در متن پژوهش حاضر به تبیین و تحلیل تربیت اجتماعی و نقش آن در رسیدن به هدف خلقت انسان اشاره می شود که هدف پژوهش حاضر واکاوی مؤلفه فطری تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی می باشد

هرچند کتابها، پژوهشها و مقالات زیادی در زمینه تربیت اجتماعی و فطرت نگاشته شده است اما اثری که بطور خاص به این زمینه پرداخته باشد یافت نشد گرچه پژوهشها و مقالاتی در زمینه تربیت بطور جداگانه به نوشتار در آمده. اما اثری که بطور خاص به این عنوان بپردازد یافت نشد. پژوهشگرانی دیگر برخی از ابعاد تربیت را بطور جداگانه مورد بررسی قرار داده اند از جمله نجفی و حسینی شاهرودی (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان بررسی تطبیقی رابطه معنای زندگی با فطرت از نگاه علامه طباطبایی و کرکگور، قدمیاری (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع) و برنامه آموزش «فلسفه و کودک» انجام داد. در این پژوهش سعی شده با توجه به اهمیت موضوع، ابتدا ضمن تعریف مفهوم تربیت اجتماعی، اهداف تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع) در قالب هفت هدف مهم که شامل پرورش روحیه عدالت خواهی، مسئولیت پذیری، محبت ورزی، مشارکت و مشورت، آینده نگری و عاقبت اندیشی، تفکر انتقادی و درک اخلاقی می باشد، بررسی گردد و سپس به این سوال پاسخ داده شود که آیا برنامه «فلسفه و کودک» می تواند در تحقق اهداف مذکور نقش تعیین کننده ای داشته باشد؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که بسیاری از مهارت هایی که از طریق برنامه آموزش «فلسفه و کودک» تقویت می شود در واقع مهارت هایی هستند که محورهای اصلی تربیت اجتماعی را از دیدگاه امام علی (ع) تشکیل می دهند، شهادت و رهنمایی (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان بررسی ویژگی ها و ابعاد فطرت از نگاه قرآن انجام دادند. از آن جا که فطرت از مبانی مهم انسان شناختی در دانش تعلیم و تربیت است، این پرسش مطرح است که این مفهوم از نگاه قرآن به

چه معناست و چه ابعاد و ویژگی‌هایی دارد؟ آیات مرتبط با فطرت را می‌توان در چهارده گروه دسته‌بندی نمود. پس از بررسی این آیات به روش تحلیلی - استنباطی می‌توان نکات ذیل را در سه بخش ارائه نمود. اول، نکات عمومی درباره فطرت: فطرت ذاتی و خدادادی است و نه اکتسابی که در همه افراد بشر همسان می‌باشد. فطرت اگرچه تغییرناپذیر است و از بین نمی‌رود، اما ممکن است ضعیف و فراموش گردد. گرایش‌ها و بینش‌های فطری نیازمند یادآوری هستند. عواملی نظیر تزکیه نفس باعث رشد داشته‌های فطری انسان می‌گردد. دوم، نکات درباره بعد شناختی فطرت: علاوه بر «خودشناسی فطری» انسان، بخشی از شناخت‌های فطری انسان مربوط به ربوبیت الهی و صفات وحدانیت، الوهیت، خالقیت و رازقیت الهی می‌باشد که از آن به عنوان «خداشناسی فطری» یاد می‌شود. سوم، نکاتی در بعد گرایشی و انگیزشی انسان است: انسان دارای گرایش‌های فطری «خداپرستی فطری»، «کمال‌طلبی»، «فضیلت‌گرایی»، «میل به جاودانگی» و «حق‌گرایی» است. خداوند و دین او محبوب فطری انسان، و کفر، فسق، سرکشی و گناه، منفور فطری انسان است.

پناهی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان تربیت اجتماعی با تأکید بر آموزه‌های تربیتی روانشناختی انجام داد. نتایج نشان داد که شاخص‌ترین راهبردهای تربیتی، اجتماعی و روانشناختی که می‌تواند در تحقق تربیت اجتماعی تأثیرگذار باشد و مربیان را در نیل به این هدف یاری رساند عبارتند از: آگاهی از محتوای تربیت اجتماعی، آگاهی از راهکارهای انتقال پیام، ایجاد انگیزه و رغبت در متری نسبت به تحقق جامعه‌پذیری، توجه جدی به تفاوت‌های فردی و جنسیتی در فرایند آموزش تربیت اجتماعی، بهره‌گیری صحیح از روش یادگیری مشاهده‌ای، بهره‌گیری گسترده از ارتباط کلامی و غیر کلامی، و ساده‌گویی و مدارا با متری.

محمدی و فقهی زاده (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان مبانی انسان‌شناختی روش تربیتی قرآن و حدیث در بعد اجتماعی انجام دادند با توجه به نتایج می‌توان گفت: از نظر انسان‌شناسی اسلامی، انسان موجودی دو بعدی (مادی و روحانی)، دارای اختیار، مسئول، الهی و فطرت‌محور، برخوردار از عقل، حقیقت‌گرا و زیباگراست؛ بدین صورت که انسان در حوزه تربیت اجتماعی با واکنش مسئولانه نسبت به پدیده‌های پیرامون خویش، با تکیه بر الهی بودن، پیروی از وحی، مراجعه به فطرت، به کارگیری عقل و با بهره‌گیری از اراده، اختیار و حاکمیت عقل بر احساس و جهت دادن فطرت زیبایی‌گرایی، می‌تواند به هدف خود؛ یعنی رشد اخلاقی و انسانی و سعادت دنیا و آخرت دست یابد. از این رو، انسان کامل و توسعه‌یافته، همان انسانی است، که با حرکت بر محور انسانیت و اصول فطرت، تکامل می‌یابد و با یاری جستن از سه منبع عقل، وحی و تجربه، راه تعمیم و گسترش اصول انسانی را، در عرصه‌های حیات خود باز می‌کند.

برزیده و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان الگوی پیشنهادی برنامه درسی تربیت اجتماعی اسلامی در دوره متوسطه: رویکردی هنجارین انجام دادند. یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که موضوع محوری در برنامه

درسی نمی‌تواند پاسخگوی ابعاد هنجارین هدف‌های کلان، مبانی اعتقادی و ارزش‌های تعاملات اجتماعی باشد و قادر به مواجهه با آسیب‌های تربیت اجتماعی در دانش‌آموزان نیست. لذا، الگوی برنامه درسی تربیت اجتماعی اسلامی در دوره متوسطه به منظور مقابله با نارسائی‌های الگوی موضوع محور پیشنهاد شد. شناخت و نیل به شایستگی‌های اجتماعی در ابعاد تحقق هدف‌های کلی توسعه بین‌الذهان، حوزه عمومی و تثبیت هویت اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان بر اساس آموزه‌های اسلامی و بومی همراه با زمینه‌سازی ایجاد تحول اجتماعی و فرهنگی از مهم‌ترین نیازهای تربیت اجتماعی امروز هستند که از طریق الگوهای برنامه درسی مبتنی بر جامعه به نحو موثرتری قابل دستیابی می‌باشند.

محمدی و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان طراحی برنامه درسی متعادل با رویکرد برنامه ریزی درسی فطری و معنوی انجام دادند. این پژوهش با هدف بررسی الگوهای طراحی برنامه درسی و نقد آنها و طراحی برنامه درسی متعادل با رویکرد فطری و معنوی صورت گرفته است. محدث و ابراهیمی‌پور (۱۳۹۴) با عنوان «ظرفیت‌های فرهنگی-هویت‌ی جهان فطری» بیانگر آن است که فطرت انسانی بر پایه انسان‌شناسی قرآنی، با داشتن ویژگی‌های فراتاریخی، ظرفیت ایجاد یک نظام معنایی مشترک و هویتی غیرتاریخی و کاستن از آثار منفی در روابط بین افراد را داراست، به گونه‌ای که می‌توان آن را به مثابه جهان مستقلی (جهان فطری) در نظر گرفت، و از همین بعد استقلالی، ظرفیت‌های فرهنگی-هویت‌ی آن را بررسی کرد.

همتی فر و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان تعلیم و تربیت مبتنی بر فطرت با تاکید بر دیدگاه آیت اله شاه آبادی، از فطرت به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مباحث انسان‌شناسی اسلامی و نظام تربیتی اسلامی یاد می‌کنند. از نظر آنها آیت اله شاه آبادی از برجسته‌ترین علمای دینی هستند که بطور تخصصی بحث فطرت را مورد کنکاش قرار داده است. وی بسیاری از مباحث عمده اسلام را بر بنیانی نوین بر پا نموده است. از این رو او را فیلسوف فطرت لقب نهادند. بعد از ایشان شاگردانشان مانند امام خمینی و استاد مطهری بر اغنای مباحث فطرت افزوده اند. در این تحقیق فطرت انسان در قالب هرمی سه وجهی با ابعاد علم، عشق و قدرت ترسیم گردیده است. اما به نظر می‌رسد که باید ضلع چهارمی بر اضلاع سه گانه از منظر استاد مطهری اضافه نمود و آن «وجدان اخلاقی» است. در واقع فطرت انسان را می‌توان مربعی از علم، قدرت، عشق و وجدان اخلاقی دانست که سه ضلع نخست بدون ضلع چهارم می‌تواند چونان شمشیری دو لب عمل کند. اما با وجدان اخلاقی طبق بیان قرآن «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (الشمس: ۹۱: ۸).

اوکال (۲۰۱۶) در پژوهش خود " ضرورت میراث تاریخی فرهنگی آموزش در آموزش علوم اجتماعی " نشان داد که برای ارتقای تربیت اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان، باید آموزش مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی در اولیت قرار

گرفته و به شکل دروس اجباری مطرح گردند. آموزش و پرورش نیز معلمان و ویژه‌ی تربیت اجتماعی و فرهنگی تربیت و به بدنه‌ی «وزش و پرورش تزریق نماید.

زایدیه (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان " استفاده از شبکه‌های اجتماعی در آموزش و پرورش: چالش‌ها و فرصت‌ها" به این یافته رسید که: شبکه‌های اجتماعی در طول چند سال گذشته بسیار محبوب بوده است و در حال حاضر نقش مهمی در زندگی ما ایفا می‌کند. این به ما در هر زمینه‌ای از زندگی مانند زمینه سیاسی، زمینه اقتصادی و زمینه آموزشی کمک می‌کند. این مقاله برخی از چالش‌ها و فرصت‌های استفاده از شبکه‌های اجتماعی را به عنوان ابزار آموزشی خلاصه می‌کند.

کوهن (۲۰۰۶) در پژوهشی تحت عنوان "اجتماع، احساس، اخلاق و آموزش علمی: ایجاد یک محیط برای یادگیری، مشارکت در دموکراسی و بهزیستی به این نتیجه رسید که: علاوه بر تربیت و آموزش علمی، اهداف آموزش و پرورش باید به سوی تربیت اجتماعی، عاطفی و احساسی و اخلاقی سوق پیدا کند. زیرا مهارت‌های اجتماعی عاطفی، اخلاقی و دانشی پایه‌ای برای مشارکت در یک دموکراسی و کیفیت بهتر فراهم می‌کند.

لین و همکارانش (۱۹۹۸) معتقدند که دوستان و هم‌سالان خود را ارزان‌ترین منبع تجربه و رشد اجتماعی خویش می‌دانند. هم‌چنین هم‌سالان از راه‌های منحصر به فرد و عمده پذیرش و اجرای نقش، در شکل‌گیری شخصیت، رفتار اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌های یکدیگر دخالت دارند. آنها از طریق سرمشق‌دهی اعمال قابل تقلید، تقویت یا تنبیه پاسخ‌های خاص و ارزشیابی فعالیت‌های یکدیگر و بازخوردی که به هم دیگر می‌دهند، بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، بعضی از هم‌سالان در الگودهی به دیگران مؤثرند.

از نظر گرشام و الیوت (۱۹۹۰) نمونه‌هایی از مهارت‌های اجتماعی عبارتند از: همکاری، مشارکت با دیگران، کمک کردن، آغازگر رابطه بودن، تقاضای کمک کردن، تعریف و تمجید از دیگران، تشکر و قدردانی. خود گرشام (۱۹۸۱) در پژوهش خود با نام ارزیابی مهارت‌های اجتماعی کودکان، نشان دادند که خانواده در کسب مهارت‌های اجتماعی مؤثر بوده است.

### روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه ترکیبی (اکتشافی-قیاسی) بود به گونه‌ای که در راستای پاسخ به پرسشهای پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی و نظرسنجی از متخصصان بهره گرفته شد. که از دو ابزار پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است. همچنین پس از کاوش و بررسی در منابع دست اول، اطلاعات بدست آمده با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت که این امر منجر به پاسخ سوال‌های پژوهشی الف- فطرت چیست؟ ب- تربیت اجتماعی چیست؟ ج- مبانی فطری تربیت اجتماعی کدامند؟ شد. و سپس برای سنجش صحت و سقم

و بررسی اعتبار مؤلفه‌های استخراج شده در دوره ابتدایی، سئوالات تشریحی در خصوص موضوع در اختیار صاحب‌نظران حوزه‌ی فطرت و تربیت اجتماعی قرار داده شد دامنه تحقیقاتی این پژوهش شامل کلیه‌ی مدارک و اسناد کتابخانه‌های شامل کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌های علمی و آموزشی و صاحب‌نظران، در زمینه موضوع تحقیق بوده است.

واژه فطرت از ریشه «فَطَرَ» گرفته شده است. لغت شناسان این ریشه را در اصل به معنای بازکردن، شکافتن، شکافتن از طول (مفردات)، ابتدا و اختراع (ابن اثیر جری، ۱۳۶۷). دانسته‌اند، اما در ارتباط با واژه «خلق» (فطر الخلق)، تقریباً همه لغت شناسان به معنای آفریدن یا آفریدن بدون پیشینه گرفته‌اند.

فطرت به معنای حالت خاصی از آغاز آفرینش انسان است و در اموری به کار می‌رود که در خلقت اولیه انسان موجود است و آدمی با ورود به دنیا، آنها را همراه خود دارد و در دنیا آنها را به دست نیاورده است. برخی از فطریات، گرایش‌هایی است که در خمیر مایه و طینت انسان‌ها قرار داده شده است (ابن فارس، بیجا، ۱۳۶۷ق).

واژه فَطَرَ در لغت به معنای آفرینش ابتدایی و بدون پیشینه است. طبرسی در مجمع البیان می‌نویسد: معنای اصلی فطر، شکافتن است (طبرسی، ۱۳۸۹: ۲۷۹). ابن منظور در لسان العرب گفته است: فطر به معنای خلقت است و فطرت ابتدا و اختراع است (ابن منظور، ۶۳۰ق: ۴۵). «اصل الفَطْرِ الشَّقُّ طَوَّلاً» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۴۰).

فطرت از ماده‌ی «فطر» به معنای شکافتن (زبیدی، ۱۳۸۷: ۳۲۵). گشودن شیء و ابداع و اختراع آن (جوهری، ۱۳۶۸: ۷۸۱؛ راغب اصفهانی، ۱۳۹۱). آمده است و از آنجا که آفرینش و خلقت الهی به منزله شکافتن پرده تاریک عدم و اظهار هستی امکانی است، یکی از معانی این کلمه، آفرینش و خلقت است. البته آفرینشی که ابداعی و ابتدایی باشد، هچنانکه قول خداوند متعال است؛ (فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ) (الانعام، آیه ۱۴). کلمه فاطر به معنای خالق به کار برده شده است. بعضی از کتب لغت، برای این کلمه مفهوم ابداع، اختراع و ایجاد ابتکاری را نیز ذکر کرده‌اند (شرتونی، ۱۴۰۳ ج ۳: ۱۹۳۲). از ابن عباس نقل شده که می‌گفت: «من معنای (فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ) (فاطر، آیه ۱). را نمی‌دانستم تا این که دو تن از بادیه نشینان که در مورد مالکیت یک چاه مخاصمه داشتند، به نزد من آمدند. یکی از آنها گفت: (انا فطرتها) یعنی ابتدا من آن را حفر کردم» (ابن اثیر جری، ج ۳: ۴۵۷). درقرآن کریم مشتقات کلمه " فطر " به صورت‌های گوناگون به کاررفته و کلمه فطرت تنها یک‌بار استعمال شده است (روم: ۳۰). کلمه فطرت ویژگی خاصی در انسان است که در متون مقدس اسلامی فراوان بکار رفته است. بعضی آن را مترداف با "خلق" دانسته‌اند، این واژه با کلمات طبیعت و غریزه هم اشتراکاتی دارد و هر سه بر خاصیتی تکوینی و غیر اکتسابی و مشترک بین نوع خاص یا انواعی از موجودات دلالت دارند اما در ادبیات ما فطرت را برای انسان و غریزه را برای حیوان و طبیعت را برای اشیاء بی جان به کار می‌برند، اما شاه آبادی طبیعت را بر لوازم

وجود غیر مدرک اطلاق کرده است. و فطرت را به معنای کیفیت خاصی از هستی می‌داند که هویت آدمی و صفات ذاتی وجود او را تشکیل می‌دهد ( شاه آبادی، ۱۳۶۸).

اگر انسان از کتاب خلقت و دیوان فطرت خویش تبعیت کند تا جایی تکامل پیدا می‌کند که به اوج اعلائی انسانیت می‌رسد تا آنجا که خداوند در قرآن کریم فرموده است و هو بالفقل اعلی و اگر از برنامه فطرت خود تخطی نماید به اسفل سافلین سقوط خواهد کرد و اینجاست که مقام انسانیت او تنزل پیدا می‌کند و سقوطش امضا می‌شود که خداوند متعال در کتاب و حیانی می‌فرماید اولئک کلانعام بنابراین انسان بین دو کنش قرار دارد از یک جهت تمایلات طبیعی و غریزی او را به سمت خود سوق می‌دهد و از سوی دیگر تمایلات فطری آدمی را به سمت خود می‌کشاند این که انسان کدام سمت را انتخاب کند به نوع تربیت او بستگی دارد فلذا بین فطرت و تربیت رابطه بسیار نزدیکی وجود دارد که خداوند متعال برای شکوفایی امور فطری و احیای انسانیت حضرات انبیا را فرستاده است در واقع اسلام می‌خواهد تمام قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فطری انسان شکوفا شود زیرا انسان لوح نانوشته‌ای نیست که هر چه بر او تحمیل کنند بپذیرد در واقع همان‌طوری که انسان فاقد علم حصولی است و هر چه به او یاد دهند یاد می‌گیرد، ولی انسان چیزی را می‌آموزد که برابر اصول فطری و سرمایه اولی و عقل خود او باشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۲).

بنابراین اولاً فطرت بر معانی متعددی اطلاق می‌شود. از جمله ۱- أَلشَّقْ به معنی شکافتن. مثل: تکا دالسموت یتفطرن من فوقهن. نزدیک است که آسمان‌ها بشکافند. ۲- الابتداء، الاختراع، الخلت: بوجود آورنده-درست کننده-آفریننده مثل=الحمد الله فاطر السموت و لارض «همه ستایش برای خداوند متعال که(بوجود آورنده درست کننده آفریننده) آسمان‌ها و زمین است» ۳-القبول «السماء منفطره به: آسمان شکافته می‌شود» ثانیاً اقوال علما در مورد تعدد معانی فطرت عبارتند از: ۱-الخلقه=یعنی خلق کننده و آفریننده ۲-البداءه: یعنی بوجود آورنده ۳- بمعنی سرشت و طبیعت انسان است. ۴- به معنی عهد و پیمان می‌آید. عهد و پیمانی که خداوند از بشر گرفته. أُلست برکم قالو بلی. ۵- اکثر علمای تعلیم و تربیت فطرت را به معنی دین اسلام می‌دانند. از دیر باز این سؤال مهم وجود داشته است که انسان به هنگام تولد، فطرت و سرشت دارد و یا فاقد آن است؟ اندیشمندانی که در این زمینه سخن گفته‌اند به دو گروه تقسیم می‌شوند:

برخی از جامعه‌شناسان و فلاسفه اگزیستانسیالیسم، داروینیسم، مارکسیسم و نیز حس‌گرایان مانند جان لاک، هیوم انسان را فاقد سرشت و فطرت می‌دانند و پنداشت آنان این است که انسان از آغاز تولد ماده‌ای بی صورت، خام و صفحه‌ای سفید و بی‌رنگ است پذیرده و عوامل بیرونی سازنده شخصیت اوست و خبری از بن مایه‌های فطری و درونی در او نیست (ملکیان، ۱۳۷۹، ج ۴: ۱۰؛ مطهری، ۱۳۷۱، ج ۳: ۴۷۵). البته نکته‌ای که بر آن تاکید دارند، این است که هرچند انسان دارای طبیعت و سرشتی از پیش تعیین شده نیست، اما می‌تواند خود را آن گونه



که می‌خواهد بسازد؛ گرچه آنان منکر نقش مؤثر عوامل گوناگون اجتماعی نیز نیستند (امید، ۱۳۸۷: ۲۱۷، امین فر، ۱۳۹۲).

نظریه فطرت از آغاز تاکنون، به عنوان نظریه‌ای انسان‌شناختی دینی، انسان‌شناختی فلسفی - عرفانی و نظریه روان‌شناختی و معرفت‌شناختی مطرح بوده و کتاب‌ها و آثار دینی، فلسفی، روان‌شناختی و عرفانی از آن بحث شده است؛ از این رو، قائلین به فطرت عبارتند از:

• دین مبین اسلام: از نظر قرآن کریم و روایات انسان دارای فطرت و سرشت است و در نهاد او، معرفت‌های دینی و تمایلات فطری با جهت‌گیری و سمت وسوی ویژه‌ای می‌باشد، البته نیمی از سرشت او فطرت طبیعی و نیمی دیگر فطرت الهی است (بهشتی، ۱۳۸۷).

• فیلسوفان و دانشمندان مسلمان نیز انسان را موجودی ذاتمند و برخوردار از فطرت می‌دانند و چنین باور دارند که هرچند انسان در آغاز میلاد ساخته و پرداخته به دنیا نمی‌آید، اما پایه‌ها و بنیان‌های بینشی و گرایشی او به صورت ساختاری و ذاتی در او نهاده شده و شئون و ابعاد وجودی او با ترکیبی خاص و با توانایی ویژه و با جهت‌دهی مشخصی سرشته شده است. بنابراین، فطرت که خلقت و آفرینش ویژه‌ای است، اصلی‌ترین سرمایه انسان به شمار می‌آید (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۶۰: ۲۰۵).

• در عرفان نیز سخن از فطرت آمده است، اما عارفان عالیقدر با نام عشق از فطرت سخن گفته‌اند و عشق الوهی را فطری همه انسان‌ها می‌دانند و همه دریافته‌ها، تفسیرها، سیر و سلوک‌ها و راه و رسم‌های عرفانی را بر مبنای حب الهی و فطری بودن آن دانسته‌اند و توحید و معاد تحلیل نظام آفرینش را بر این اساس استوار ساخته‌اند. عارف و اصل امام خمینی (ره) نیز بر این باور است که خداوند سرشت و فطرت همه موجودات را با عشق خود ساخته و سامان داده است و تمامی موجودات و همه ذرات کائنات از پایین‌ترین مرتبه تا بالاترین مرتبه، همه حق طلب و حق جویند و هر کسی در هر مطلوبی خدا را طلب می‌کند (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۹۱)، امام راحل تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید همه پرستش‌ها، ستایش‌ها، حمدها و ثناها از آن اوست و هیچ حمد، ثنا، ستایش و نیایشی برای غیر خدا واقع نمی‌شود؛ زیرا حس پرستش همه انسان‌ها بدون استثنا فطری و واقعی است که او را به این طرف و آن طرف می‌کشاند و فطرتش او را به دنبال خدا راه انداخته است، البته ممکن است در تطبیق اشتباه کند و به مجاز روی آورد (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۷۱).

• برخی از روان‌شناسان جدید نیز نظریه فطرت را پذیرفته‌اند و امروزه در جهان علم، یکی از نظریات اساسی همین ادعان و اعتقاد به فطرت است؛ یونگ، روان‌شناس معروف، از کسانی است که می‌گوید: شعور باطن در فطرت و خلقت هر کس قبل از این که به دنیا بیاید، وجود دارد. او معتقد است که اعتقاد به خدا جزء عناصر اصلی شعور باطن است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۵). روان‌شناس و فیلسوف آمریکایی، ویلیام جیمز، یکی دیگر از کسانی

است که به فطرت باور دارد. او می‌گوید: هر قدر انگیزه و محرک میل‌های ما از این عالم طبیعت سرچشمه گرفته باشد، غالب میل‌ها و آرزوهای ما از عالم ماوراء طبیعت سرچشمه می‌گیرد، زیرا غالب آن‌ها با حساب‌های مادی و عقلانی جور در نمی‌آید ما بیشتر به آن عالم بستگی داریم تا به این عالم محسوس و معقول (مطهری، ۱۳۹۳). البته به جز یونگ و ویلیام جیمز، آبراهام مزلو در کتاب افق‌های والاتر فطرت انسان، فرانکل در کتاب در جستجوی معنا و نیز جان کالوین و پیش از این‌ها، روسو و توماس آکوئینال به فطرت اعتقاد داشتند و حتی می‌توان مسیحیت کلیسایی را نیز از این گروه دانست (امید، ۱۳۸۷: ۲۱۷-۲۲۷).

در لغت نامه معین تربیت به معنای پروردن، ادب و اخلاق را به کسی آموختن می‌باشد. تربیت به معنای پروراندن و آموختن از ریشه ربو از باب تفعیل می‌باشد که مفهوم زیادت و فزونی گرفته یعنی عملی از جانب مربی و متربی که موجبات فزونی و پرورش متربی می‌شود (باقری، ۱۳۹۵). در اصطلاح به معنای روش رفتاری و گفتاری افراد مورد جامعه‌طوری که این روش ملکه ذهن آنها شود. کسی را تربیت کردن بدین معناست که وی را روش رفتار و کردار نشان دادن در همه ابعاد است.

غزالی عقیده داشت که طفل از دوره کودکی باید طوری مورد تعلیم و تربیت قرار بگیرد که نیروی عقل و استنباط و قوه‌ی تفکر او قوی شود و بتواند بوسیله عقل و تفکر به استدلال بپردازد و استدلال‌های خویش را استنباط کند نه اینکه فقط توشه‌ای از محفوظات داشته باشد. وی در کتاب المنقذ من الضلال گفت که با عقل نمی‌توان به حقیقت رسید و منظورش این بود که با عقل نمی‌توان مبدأ را شناخت. اما وجود عقل را برای ادامه زندگی بشر و رهبری آدمی ضروری می‌دانست، غزالی عقیده داشت که محفوظات سبب توسعه علوم نمی‌شود و آنچه کمک به توسعه علوم می‌کند این است که محصل بتواند بر اثر تقویت عقل نیروی ابتکار پیدا کند. نظریه غزالی مطابق با نظریه علمای تعلیم و تربیت این دوره است و بزرگان تعلیم و تربیت در این دوره می‌گویند. حافظه بدون بکار انداختن مغز بی‌فایده است (توماس، ۱۳۶۹، ۶۳۵).

هر دین و آیین و اجتماعی رسیدن به بالا ترین سطح فرهنگ خویش را تربیت اجتماعی دانسته و سعی و تلاش خویش را در ارائه دادن بهترین و بالاترین الگوهای تربیتی می‌داند. کمال رسیدن به بالاترین سطح هر دین، آیین و مسلک را تربیت اجتماعی گویند که در اسلام کمال تربیت رسیدن به قرب الی و هدایت شدن به سوی آن صراط می‌باشد.

تربیت اجتماعی به جریان یا فرایندی مستمر گفته می‌شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی در جهت کسب و درک معارف بشری و قوانین مورد پذیرش جامعه و یاری رساندن در جهت شکوفا کردن استعداد های افراد می‌باشد (دلشاد، ۱۳۷۹، ۱۴).

تربیت اجتماعی به معنای شکوفا کردن و پرورش استعداد های اجتماعی افراد بشر می باشد. انسان دارای فطری اجتماعی و پیش به سوی اجتماع دارد. انسان برای تامین نیازهای مادی و معنوی خویش نیاز به اجتماع و ارتباط با افراد اجتماع دارد. تامین نیازهای افراد با توجه به برآورد آنها و براساس ارتباط و برخورد وی با دیگران انسان را ملزم به زندگی اجتماعی کرده. که امری بسیار خطیر و مهم می باشد. و از آن به عنوان تربیت اجتماعی یاد می شود تربیت اجتماعی به ابعادی از شخصیت افراد گفته می شود که مربوط به نوع بشر در اجتماع می باشد. افراد باید طوری مورد آموزش و پرورش قرار گیرند که در مقابل اجتماع احساس مسولیت کنند، وظایف خویش و قوانین اجتماع را بشناسند، نسبت به عمل آنها از وجود خویش مایه بگذارند، راه و رسم زندگی در اجتماع را بدرستی یاد گیرند، معاملات، معاشرت، اخلاقیات و شیوهی برخورد و رفتار خویش را در مقابل دیگران بشناسند و بهترین شیوهی رفتار را اختیار کنند که در آن صورت است که اجتماع به هدف اصلی تربیت اجتماعی که در فطرت انسان است سوق یافته است. تربیت اجتماعی از مهمترین اهداف و ابعاد تربیت در دین مبین اسلام می باشد. از آنجایی که دین مبین اسلام دینی اجتماعی و پیامبر آن نیز رسولی است که برای اجتماع مبعوث گشته تربیت اجتماعی از جایگاه و اهمیت ویژه ای برخوردار است و هدف اسلام از تربیت در وهله اول برآورد تربیت اجتماعی بوده و بعد به ابعاد دیگر تربیت توجه نموده. چنانچه که قرآن می فرماید کنتم خیر امت اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر شما بهترین امت از میان امت های پیشین هستید که بیرون آورده شده اید برای اجتماع و مردم. چنانچه که از آیه بر می آید هدف بوجود آوردن این امت تربیت اجتماعی آن بوده است که هر یک از افراد آن در مقابل دیگران مسول هستند و نسبت به آنها وظایفی دارند. پیامبر دین مبین اسلام با توجه به روح اجتماعی و فطرت اجتماعی انسانها، تاکید کرده و فرموده اند. راس و بالای عقل بعد از ایمان معاشرت و تعامل و دوستی با مردم و خیر رساندن به همه ی انسانهای خوب و بد است (مجلسی، ۱۳۵۳، ۳۹۲) منظور از تربیت اجتماعی همان ارتقای «سطح فرهنگ جامعه» است که همه ی عوامل فردی و اجتماعی در آن تأثیر دارد و همه ی ابزارهای مستقیم و غیر مستقیم آموزشی و تبلیغاتی باید جهت تحقق آن به کار گرفته شود و نمی توان میدان عملیات را به یک یا چند حوزه معین و راه کارهای آموزشی محدود نمود.

تربیت اجتماعی، آشنایی با مفاهیم مختلف زندگی گروهی و مزایا و محدودیت های زندگی اجتماعی و شناخت گروه های اجتماعی (خانواده و امت اسلامی و جامعه بشری) و ارزش ها و معیارها و قوانین حاکم بر آنهاست (شکوهی، ۱۳۸۳). فلذا مفهوم تربیت اجتماعی، پرورش جنبه یا جنبه هایی از شخصیت آدمی است که مربوط به زندگی او در میان جامعه است تا از این طریق به بهترین شکل، حقوق، وظایف و مسؤلیتهای خود را نسبت به دیگر هم نوعان و هم کیشان و هم مسلکان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق، برای عمل به آن وظایف و مسؤلیتها قیام کند؛ به تعبیری دیگر، می توان تربیت اجتماعی را آشنا ساختن فرد با روحیات اجتماعی و آموختن راه و رسم

زندگی با دیگران و سپس پرورش روحیه تعهد و التزام عملی به انجام وظایف خویش دانست. (حرانی، ۱۳۵۴: ۹۲). برخی از اندیشمندان دینی بر آنند که بنای زندگی انسان برپایه زندگی اجتماعی شکل گرفته است و این امر در فطرت و ذات او به امانت قرار داده شده (طباطبائی، ۱۳۹۲)؛ و به علت نیاز او نمی‌توان انسان را از آن دور کرد. (جوادی آملی، ۱۳۹۲).

تربیت اجتماعی در گرو داشتن تصویر روشنی از اجتماعی بودن است، خود به چه معناست. بر اساس آنکه چه ماهیت یا ویژگی‌هایی را برای اجتماعی بودن لحاظ کنیم، تربیت اجتماعی و اصول و شیوه‌های آن، به‌گونه خاصی رقم خواهد خورد و هر شکل معینی از تربیت اجتماعی، مبتنی و مسبوق به پیش‌زمینه‌های معینی در باب مفهوم اجتماعی بودن، خواهد بود (باقری، ۱۳۸۴). اساساً تربیت اجتماعی که به مفهوم تحول درونی در تمامی موضوعات اجتماعی است. نقش مهمی در کارکرد فرد در جامعه دارد و به واسطه آن، آدمی در طول حیات خویش عناصر اجتماعی و فرهنگی محیط خود را به شکل خودآگاه و یا ناخودآگاه درونی می‌کند. تا با ساخت شخصیت انسان‌های رشد یافته دست یابد.

دیدگاه‌های مختلفی در خصوص تربیت اجتماعی وجود دارد. برخی تربیت اجتماعی را یک جریان تکوینی و تعاملی دانسته و معتقدند که باید مبتنی بر روش «کشف»، باشد و نه «کسب»؛ آنها بر این باورند که کودک در فرایند کشف است که «اجتماعی شدن» را شخصاً تجربه می‌کند. در این فرایند کودک یاد می‌گیرد چگونه به سبک خویش و بر اساس علاقه و حس خصوصی‌اش با تجربه و واقعیت بیرونی سازگار شود. در این راستا «جان دیویی» هسته بنیادی تربیت اجتماعی فرد را «کشف تجربه» قلمداد می‌کند و معتقد است مدرسه صرفاً مکانی برای آماده ساختن کودکان به قصد زندگی اجتماعی نیست؛ بلکه «خود زندگی» است. این تعبیر از تربیت اجتماعی، نشان‌دهنده آن است که «اجتماعی شدن»، فرایندی درونی و سیال در بستر زندگی است؛ اما این بدان معنا نیست که تربیت اجتماعی از مراقبت و مداخله سازنده و بالنده بزرگسال خالی باشد. هرچند جامعه و ساختارهای اجتماعی و تاریخی آن در روند شکل‌دهی هویت افراد تعیین‌کننده هستند، اما قدرت انتخاب و پالایش عوامل و فرصت‌های پیشرو می‌تواند از جانب افراد به منزله خمیرمایه رفتار و اخلاق آنها تلقی شود. هرچند کودک در ابتدا هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را از بزرگسال کسب می‌کند، اما این اکتساب عموماً بدون تغییر و دستکاری منتقل نمی‌شوند؛ بلکه به تعبیر «ژان پیاژه» کودک، بر اساس «درون‌سازی» و «برون‌سازی» که دو ساز و کار هوش به شمار می‌روند در برخورد با واقعیت، جهان درون را تابع جهان بیرون و جهان بیرون را به رنگ جهان درون خویش در می‌آورد این انطباق در سازگاری فرایند «اجتماعی شدن» نقش مهمی دارد. به همین سبب است که علیرغم وجود محیط‌های یکسان برای افراد، کنش‌های متفاوت اجتماعی خلق می‌شود و با وجود همسانی شرایط، تعامل افراد در برابر این شرایط به تناسب تفاوت‌های فردی و ساختارهای شناختی و فرایندهای عاطفی دگرساز می‌شود.

در دیدگاه ژان پیاژه هوش آدمی با دو مکانیزم «درون‌سازی» و «برون‌سازی» نسبت به واقعیت بیرونی واکنش نشان می‌دهد. ارگانسیم با درون‌سازی، واقعیت بیرون را با پیش‌انگاشت ذهنی خود یکی می‌کند و با برون‌سازی ذهن و پیش‌انگاشت خود را نسبت به واقعیت تغییر می‌دهد. به عبارت دیگر، فرایند برون‌سازی بیانگر گرایش فرد به تغییر در مقابل مقتضیات محیط است و درون‌سازی معطوف به انطباق ساخت ذهنی با واقعیت بیرون است؛ بدین ترتیب می‌توان گفت آدمی با فرایند درون‌سازی، محیط خویش را «فردی» و با برون‌سازی، خود را محیطی می‌کند. به همین سبب است که پیاژه فرایند تربیت را باخلاقیت و نوآوری، مترادف می‌داند؛ حال آن که تربیت در نگاه رایج آن منطبق ساختن افراد با محیط است. در واقع، اگر تعریف از تربیت در قالب درون‌سازی و برون‌سازی واقعیت، پذیرفته شود، آنگاه، تربیت اجتماعی به مفهوم فعال و خلاق آن ارتقا بخشیده می‌شود (موسوی فراز، ۱۳۶۲، ۴۱).

تربیت اجتماعی جز از طریق خود آگاهی تک تک افراد جامعه و احساس همدلی و سازگاری بین افراد یک اجتماع محقق نمی‌شود. به فردی تربیت شده اجتماع اطلاق می‌گردد که همواره در صدد شناخت کامل‌تر از اجتماع خود و موقعیت آن است و برای بهبود روند امور و گسترش کار و حل مشکلات موجود به تفکر و تدبیر می‌پردازد و قادر است در وضعیت‌های تازه‌ای که رخ می‌دهد در ارتباط با حل مسئله تصمیم منطقی گرفته و اقدام نماید (تابع الحجه، ۱۳۷۸).

لذا مشارکتهای عمومی و سیاسی و اجتماعی، جایگاه فوق العاده‌ای در قرآن دارد. خداوند به پیامبر اکرم می‌فرماید: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ»: از پرتو رحمت الهی در برابر آنهانرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند (آل عمران، ۳: ۱۵۹). خداوند در این آیه ثمره نرم خوئی راحبت و اجتماع حول پیامبر دانسته و آن را آشکار نموده است و عکس آن را هم که خشونت و تندخویی و باعث تفرقه و جدایی است، مشخص نموده است. همچنین دستورات زیادی از ائمه معصومین بر زندگی مسالمت آمیز با حقوق دیگران وارد شده است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «سَلَامَةُ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا فِي مَدَارِهِ النَّاسِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۸۶): سلامت دین و دنیا در گرو مدارا نمودن با مردم است. نیازهای عالی انسانی نیز همزیستی او با دیگران را اجتناب ناپذیر می‌کند. احتیاج به افکار و آثار دیگران، تاثیر از انفاس قدسی اولیا... همگی نیاز انسان را برای زندگی با دیگران نشان می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۶: ۳۴). افراد جامعه هم به حکم عقل و دین برای رفع نیازهای جاری و ضروری باید در اجتماع حضور داشته باشد. این نیاز می‌طلبد که افراد جامعه آموزشهای لازم برای حضور در بین افراد جامعه را ببینند. اسلام مکتبی است که در آن هم اصالت فرد و هم اصالت جامعه ملحوظ نظر بوده است (قطب، ۱۳۶۲: ۲۵). همانطور که گفته شد، تربیت اجتماعی، یکی از ارکان و ابعاد اساسی تربیت را تشکیل می‌دهد. این بعد از تربیت، به لحاظ گستردگی، پیچیدگی، جامعیت، پوشش دهنده تمام نهادهای اجتماعی - تربیتی مشرف

برامرتعلیم و تربیت افراد می‌باشد که ازسویی رشد شخصیت فردی رابه همراه دارد وازسویی میراث فرهنگی رابه نسل آینده منتقل می‌کند؛ به همین دلیل است که اجتماعی ساختن افرادجامعه ، رسالت مهم برنامه‌ریزان و مربیان به شمار می‌رود. ازدیدگاه کلان نیز پرورش اجتماعی با توسعه ملی، رابطه مسلم، ضروری و انکارناپذیردارد و ظهور رشد وتوسعه دریک جامعه به پرورش اجتماعی دریک سطح مناسب ملی بستگی دارد(ملکی، ۱۳۹۳).

بنابراین تربیت اجتماعی در سه بعد مورد توجه است : ۱- دانش : که مستلزم فراهم کردن اطلاعاتی درباره حکومت و روابط آن با مردم است. ۲- بعد عاطفی که مستلزم ایجاد گرایش‌های عاطفی مناسب به غیر است. ۳- بعد رفتاری که با ایجاد مهارت‌های عملی لازم در افراد جامعه برای انجام گفت‌وگو، مشارکت در امور اجتماعی و اطاعت از قانون محقق می‌شود. (باقری، ۱۳۸۸).

برخی زیست‌شناسان، روان‌شناسان، فیلسوفان و مفسران همانند مک دوگال، فروید ، ابونصر فارابی، علامه طباطبایی، و استاد مطهری، رویکرد به زندگی اجتماعی را برخاسته از نهاد و فطرت آدمی دانسته‌اند و عده‌ای آن را بر اساس محاسبه‌ی عقلی انسان برای تسهیل انجام امور خود و دسته‌ای هم آن را به تمایلات آدمی برای برآوردن نیازهایش که تنها در پرتو زندگی اجتماعی امکان‌پذیر است، مستند ساخته‌اند. نظر اسلام در مورد اجتماعی زیستن نه به فردگرایی و نه به جمع‌گرایی شبیه نیست بلکه اسلام حالت بینابینی را قبول دارد. اسلام به هر دو کوشش به یک اندازه اهمیت می‌دهد. زیرا زندگی نمی‌تواند بدون یکی از آنها پایدار بماند. بنابراین در تربیت اجتماعی از دیدگاه اسلام در عین حال که فردیت انسان و شخصیتش را حفظ می‌کنند. فرد را برای زندگی در جمع آماده می‌کنند. اساس مکتب اسلام نیز مبتنی بر اخلاق و تربیت فردی و اجتماعی است (محمدی‌آشنانی، ۱۳۹۲).

اولین اصل برای زندگی در اجتماع و ارتباط با دیگران نیز اخلاق خوب و خوش اخلاقی است که در اسلام بسیار مورد تاکید قرارگرفته است. اگر با نگاه دیگری به موضوع بنگریم می‌بینیم که اکثر احکام اسلام از رنگ اجتماعی برخوردار است و برنامه‌های اسلام عمدتاً در فضای جمعی به اجرا در می‌آید و در میان احکام حتی عبادات فردی را صبغه اجتماعی بخشیده است و حتی در خلوتگاه عبادت نیز فرد با اجتماع مسلمین همراه است. در واقع خداوند متعال در اوج عبادات و خلوت بنده‌اش با او، مخلوقش را به توجه به حال انسان‌های دیگر فرا می‌خواند، مثلاً در سوره حمد که خواندن آن در تمامی نمازهای واجب است می‌خوانیم اهدنا الصراط المستقیم یعنی ما را به راه راست هدایت فرما، حرفی از من در این سوره نیست بلکه صحبت از ماست. از سوی دیگر با سیری در قرآن به این نکته می‌رسیم که بسیاری از کارها که در قرآن حرام و گناه محسوب می‌شود مربوط به رابطه انسان با سایر انسان‌هاست مانند غیبت، تهمت، دروغ و هم‌چنین انجام دادن یکسری کارها بر انسان واجب شده که آن هم به ارتباطات اجتماعی انسان‌ها مربوط می‌شود مانند امر به معروف و نهی از منکر، وفای به عهد،

انفاق، زکات (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۹۳). بنابراین خداوند متعال با تذکریهایی که در قرآن راجع به رعایت اصول زندگی اجتماعی می‌دهد به دنبال تربیت اجتماعی انسان‌هاست تا بندگان با رعایت این اصول در ارتباط با هم به مشکل بر نخورند.

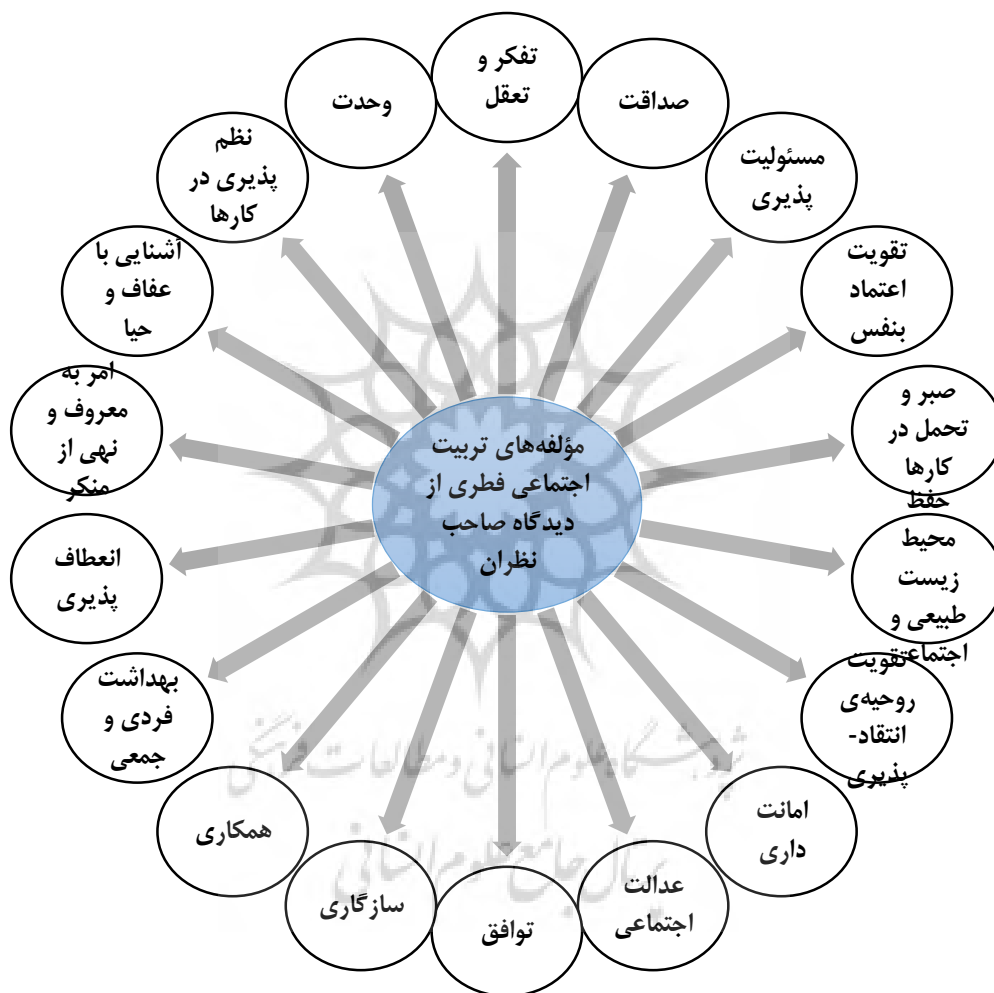
بخش زیادی از آیات قرآن، به تربیت اجتماعی اشاره دارند از قبیل این آیات: ( يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ) (حجرات: ۱۳). ای مردم، در واقع ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را نژادها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا خودنگهدارترین و (پارساترین) شماست؛ براستی که خدا دانای آگاه است. (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ) (نحل: ۹۰)، خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد، و از فحشا و منکر و ستم نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد تا متذکر شوید.

با توجه به آیات قرآن مجید می‌توان بر این نکته تاکید کرد که اجتماعی بودن انسان در آفرینش و خلقت او مدنظر بوده است. چنانچه در سوره حجرات، آیه ۱۳ می‌خوانیم: ای مردم شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بشناسید. هم‌چنین در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران نیز آمده است: ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید، باشد که پیروز و رستگار گردید. با نگاهی به این آیه می‌بینیم که قرآن کریم انسان را به برقراری ارتباط با دیگران دعوت می‌کند و ارزش و منفعت زندگی اجتماعی را زیاد می‌داند.

اگر فطرت انسان را بپذیریم، آن فطریات باید در تربیت او در نظر گرفته شود. اساساً واژه «تربیت» به معنی رشد و پرورش دادن است و پرورش دادن وقتی معنی پیدا می‌کند که وجود یک سلسله استعدادها و ویژگی‌ها را در انسان پذیرفته باشیم. با این حال لازم است برنامه‌های درسی تمام دوره‌های تحصیلی به ویژه دوره ابتدایی را بر اساس تمایلات طبیعی و درک‌های فطری کودک استوار نمایند؛ یعنی مولفه‌ها و عناصر برنامه‌ی درسی ما، باید عملاً از قوانین خلقت پیروی کند. برنامه‌های درسی که مبتنی بر فطرت و سرشت بشر باشد پایدار خواهد بود. برخی از مولفه‌های تربیت اجتماعی در دوره‌ی کودکی که برپایه فطرت می‌توان استخراج کرد عبارتند از: مسولیت- پذیری، علم‌آموزی، مردم‌سالاری دینی، مشارکت اجتماعی، اختیار، تعهد و وفای به عهد- نقادی و نقد پذیری، هویت، کرامت انسانی، عدالت، فداکاری و ایثار، امر به معروف و نهی از منکر، صدق و راستی، بهداشت اجتماعی، وحدت، پاسداری از ارزش‌ها، تعاون و برادری، رعایت قوانین و مقررات، مهارت‌های ارتباطی، روابط اجتماعی، انصاف در گفتار، رعایت احترام اجتماعی و مشورت با دیگران می‌باشد.

یافته‌ها

با این حال در دوره ابتدایی مباحث، بایستی متناسب با سن دانش‌آموزان باشد و ارائه تکالیف نیز بایستی بر حسب توان دانش‌آموزان باشد. فلذا جهت شناسایی مؤلفه‌های تربیت اجتماعی فطری در دوره ابتدایی از نظر تعدادی از صاحب نظران نیز استفاده شد؛ بدین منظور ضمن مصاحبه با ۲۰ تن از متخصصان علوم تربیتی و دینی مؤلفه‌های زیر استخراج شد.



شکل ۱: مؤلفه‌های تربیت اجتماعی فطری از دیدگاه صاحب نظران در دوره ابتدایی

یافته‌های مندرج در شکل ۱ نشان می‌دهد که: تربیت اجتماعی فطری از دیدگاه صاحب نظران در دوره ابتدایی دارای ۱۸ مؤلفه می‌باشد، مؤلفه‌های استخراج شده شامل: تفکر و تعقل، راستگویی و صداقت، مسئولیت پذیری، همکاری، سازگاری، توافق یا سعه‌ی صدر، عدالت اجتماعی، امانت داری و حفظ اموال عمومی، تقویت روحیه‌ی انتقاد پذیری، حفظ محیط زیست طبیعی و اجتماعی، صبر و تحمل در کارها، تقویت اعتماد بنفسی،



## تحلیل و واکاوی مبانی فطری تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی

نظم پذیری در کارها (وقت شناسی و...)، آشنایی با عفاف و حیا، امر به معروف و نهی از منکر، انعطاف پذیری، بهداشت فردی و جمعی، وحدت می باشند.

جدول ۱: مؤلفه‌های تربیت اجتماعی فطری از دیدگاه صاحب نظران در دوره ابتدایی

ردیف	ابعاد و مولفه ها	فراوانی کل	فراوانی	درصد فراوانی
۱	تفکر و تعقل	۲۰	۱۹	۹۵
۲	راستگویی و صداقت	۲۰	۱۸	۹۰
۳	مسئولیت پذیری	۲۰	۱۶	۸۰
۴	همکاری	۲۰	۱۴	۷۰
۵	سازگاری	۲۰	۱۳	۶۵
۶	توافق یا سعه ی صدر	۲۰	۱۰	۵۰
۷	عدالت اجتماعی	۲۰	۱۰	۵۰
۸	امانت داری و حفظ اموال عمومی	۲۰	۱۰	۵۰
۹	تقویت روحیه ی انتقادپذیری	۲۰	۷	۳۵
۱۰	حفظ محیط زیست طبیعی و اجتماعی	۲۰	۷	۳۵
۱۱	صبر و تحمل در کارها	۲۰	۶	۳۰
۱۲	تقویت اعتماد بنفس	۲۰	۵	۲۵
۱۳	نظم پذیری در کارها (وقت شناسی و...)	۲۰	۵	۲۵
۱۴	آشنایی با عفاف و حیا	۲۰	۳	۱۵
۱۵	امر به معروف و نهی از منکر	۲۰	۳	۱۵
۱۶	انعطاف پذیری	۲۰	۲	۱۰
۱۷	بهداشت فردی و جمعی	۲۰	۲	۱۰
۱۸	وحدت	۲۰	۱	۵

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می شود از نظر متخصصان مربوطه مواردی نظیر تفکر و تعقل، راستگویی و صداقت، مسئولیت پذیری، همکاری، سازگاری، توافق یا سعه ی صدر، عدالت اجتماعی، امانت داری و حفظ اموال عمومی، تقویت روحیه ی انتقادپذیری، حفظ محیط زیست طبیعی و اجتماعی، صبر و تحمل در کارها، تقویت اعتماد بنفس، نظم پذیری در کارها (وقت شناسی و...)، آشنایی با عفاف و حیا، انعطاف پذیری، امر به

معروف و نهی از منکر، بهداشت فردی و جمعی و همچنین وحدت مولفه‌های اصلی تربیت اجتماعی فطری را تشکیل می‌دهند.

همچنین بر اساس فراوانی هر یک از مولفه‌های مذکور در پاسخ‌های ارائه شده می‌توان دریافت که مولفه‌های در اولویت اول بیش از ۵۰ درصد از نظر متخصصان را به خود جلب کرده است بنابراین از نظر آنان مولفه‌های تفکر و تعقل، راستگویی و صداقت، مسئولیت‌پذیری، همکاری، سازگاری، توافق یا سعه‌ی صدر، عدالت اجتماعی و همچنین امانت‌داری و حفظ اموال عمومی را می‌توان به عنوان مولفه‌های کانونی تربیت اجتماعی فطری در دوره ابتدایی قلمداد کرد بدیهی است با توجه به داده‌های حاصله از این بخش همه‌ی مولفه‌های فوق جهت تربیت اجتماعی در دوره‌ی ابتدایی مدنظر بوده است ولی مولفه‌های جدول بالا از اولویت بیشتری برخوردار است. در اختیار داشتن یافته‌های بخش کیفی پژوهش و مشخص شدن امور فطری تربیت اجتماعی جهت اعتبارسنجی پرسشنامه‌ی به صاحب‌نظران مربوطه عرضه و نظرات آن‌ها دریافت شد. لازم به ذکر است که جهت تعیین اعتبارسنجی مؤلفه‌های از آزمون  $t$  تک متغیره استفاده شده است.

جدول ۲: نتایج  $t$  تک گروهی برای اعتبارسنجی مؤلفه‌های فطری تربیت اجتماعی

Sig	درجه‌آزادی	میانگین آزمون	آزمون $T$	انحراف‌معیار	میانگین	شاخص
۰/۰۰۰	۳۴	۴۸	۲۵/۴۳	۲/۲۶	۵۰/۸۶	امور فطری تربیت اجتماعی

نتایج جدول فوق حاکی از این است که امور فطری تربیت اجتماعی دارای میانگین ۵۰/۸۶ و انحراف معیار ۲/۲۶ می‌باشد که از شاخص استاندارد (۴۸) بیشتر است و این تفاوت با  $t=۲۵/۴۳$  درجه آزادی ۳۴ و سطح معنی‌داری آزمون دوسویه با احتمال ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار است. فلذا مؤلفه‌های فطری تربیت اجتماعی از دیدگاه صاحب‌نظران در دوره ابتدایی در سطح خط‌پذیری ۰/۰۱ و با احتمال ۹۹ درصد اطمینان‌داری اعتبار می‌باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

دین حنیف، دین فطری است. فطرت استعداد‌های موهبتی نهفته در وجود هر شخص است که خداوند متعال، همه‌ی موجودات، خصوصاً انسان را بر اساس آن آفریده است. مراد از فطرت، دین ابراهیمی، داودی، موسوی، عیسوی و اسلام ناب محمدی (ص) است و در صورتی شکوفا می‌شود که مخرب خارجی (جامعه، خانواده و تعلیم و تعلم) او را فاسد نکند. در حقیقت فطرت شایستگی و صلاحیت است؛ یعنی حق - سبحانه - چنان خاصیتی به شرف (و نفخت فیه من روحی) و مهر و محبت عاشقی و معشوق‌پرستی (الست بریکم قالو بلی) در ضمیر انسان به ودیعه نهاده است.

صلاحیت شناخت خدا با استفاده از علوم ظاهری و باطنی، معاد و معاش، شایسته‌سالاری، نجات جامعه از انحطاط و بردگی و گمراهی، قدرت در تغییر جامعه از بی بندوباری و فلاکت در سایه تعلیم تربیت وحیانی بروز و ظهور می‌یابد.

با توجه به کارهای انجام شده در ارتباط با فطرت مشخص شد که امور فطری همان حقایق همگانی هستند که همه انسان‌ها به آنها گرایش دارند مانند گرایش به کمال، حقیقت‌جویی، خیر و فضیلت، ابتکار و نوآوری. علاوه بر گرایش‌ها، انسان دارای شناخت و معرفت فطری است به عبارتی اصول مشترک تفکرات انسان، فطری و فروع تفکر و شاخه‌های آن اکتسابی هستند خودآگاهی، خدا آگاهی و درک اصول خوبی و بدی نیز از جمله معرفت‌های فطری می‌باشند. براساس مبانی انسان‌شناسی، انسان موجودی می‌باشد که استعداد خیر و شر در او به ودیعه نهاده شده است و با توجه به اراده، آزادی و اختیار خود می‌تواند استعدادهای بالقوه‌ی خویش را به فعلیت برساند و در پژوهش‌های خارجی اگر راجع به فطرت و معنویت هم بحث شده فطرت آنها روانشناسانه است نه فراتر از آن؛ زیرا در بطن پژوهش که قرار می‌گیریم احساس می‌شود که هنوز از چنگال روانشناسی خلاص نشده‌اند.

برنامه‌های درسی که مبتنی بر فطرت و سرشت بشر باشد پایدار خواهد بود. از آنجایی که قابلیت‌های فطری در دوره ابتدایی هنوز فعلیت پیدا نکرده و به صورت کمون و نهفتگی در این دوره وجود دارد احتیاج به محیط متناسب (فطرت ثانوی) دارد تا بر اساس آن خواسته‌های طبیعی و درک‌های باطنی کودک شکوفا شود یعنی دوره ابتدایی دوره‌ای است که ظرفیت‌های بالقوه انسان همراه با تربیت صحیح به ویژه تربیت اجتماعی به طور خاص باعث تثبیت شخصیت و حثیت کودک می‌شود. تربیت اجتماعی نقش بسیار مهم در زندگی بشری داشته و از راه‌های رسیدن به کمال تلقی می‌شود و گنجاندن مفاهیم منبعت از تربیت اجتماعی در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی دانش‌آموزان می‌تواند زمینه‌های بروز این کمال و تعالی را هر چه بیشتر فراهم نماید. نتایج پژوهش طبق یافته‌ها نشان می‌دهد مولفه‌های تربیت اجتماعی که در دوره‌ی کودکی برپایه فطرت می‌توان استخراج کرد بر اساس اولویت عبارتند از تفکر و تعقل، راستگویی و صداقت، مسئولیت‌پذیری، همکاری، سازگاری، توافق یا سعه‌ی صدر، عدالت اجتماعی، امانت‌داری و حفظ اموال عمومی، تقویت روحیه‌ی انتقادپذیری، حفظ محیط زیست طبیعی و اجتماعی، صبر و تحمل در کارها، تقویت اعتماد بنفس، نظم‌پذیری در کارها (وقت‌شناسی و...)، آشنایی با عفاف و حیا، انعطاف‌پذیری که اینها بایستی در قالب هدف، محتوا، روش‌های تدریس و ارزشیابی در کتاب‌های درسی گنجانده شوند تا تربیت اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی تثبیت شود. در حقیقت جوهر وجودی آدمی که همان فطرت است در ذات هر انسان و متربی وجود دارد. و ظرفیت‌های اجتماعی در انسان نهفته است اما برای پرورش نیاز به مربی آگاه و آشنا دارد با این حال انسان با تربیت اجتماعی انسان می‌شود و اگر تربیت اجتماعی به صورت بایسته و شایسته مورد توجه و هدایت قرار نگیرد انسان مصداق آیه بل هم اضل می‌شود.

منابع و ماخذ

- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. محقق / مصحح: طناحی، محمود محمد / زاوی، طاهر احمد. ج ۳. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن فارس، احمد (۱۳۶۷ق)، معجم مقایس اللغة، جلد چهارم، مصر: بیجا.
- احمدی، علی اصغر (۱۳۸۶). اصول تربیت، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، نوبت چاپ چهارم.
- آذربایجانی و همکاران (۱۳۸۵ش). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- امام خمینی، روح الله. (۱۳۶۹). سر الصلاة، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)
- امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۲). انوار الهدایه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
- امید، مسعود. (۱۳۸۷). نظریه فطرت سیر تاریخی در غرب از یونان تا دوره معاصر، معرفت فلسفی، ۵(۴): ۱۹۳-۲۴۲.
- امینی فر، مرتضی، (۱۳۹۲)، طبیعت و سرشت انسان در تعلیم و تربیت، تعلیم و تربیت، شماره ۱۱: ۷-۲۵.
- باقری، خسرو (۱۳۸۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد دوم، تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۸۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد اول، تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۹۵). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
- برزیده، حمیرا؛ محمودنیا، علیرضا؛ قائدی، یحیی؛ ضرغامی، سعید. (۱۳۹۵). الگوی پیشنهادی برنامه درسی تربیت اجتماعی اسلامی در دوره متوسطه: رویکردی هنجارین، مجله پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۶(۲): ۱۰۷-۱۲۷.
- بهشتی، محمد. (۱۳۸۷). مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- پناهی، علی احمد. (۱۳۹۵). تربیت اجتماعی با تأکید بر آموزه‌های تربیتی روانشناختی، پژوهشهای اجتماعی اسلامی، ۲۲(۴): ۱۵۷-۱۸۲.
- تابع الحجّه، جاسم (۱۳۷۸). تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه چمران اهواز.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲). فطرت در قرآن، چاپ هفتم، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲). فطرت در قرآن، چاپ هفتم، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۶۸)، تاج اللغة وصحاح العربیه، تهران.
- حرانی، ابو محمد حسن (۱۳۵۴) تحف العقول، ترجمه بهراد جعفری تهران: ج ۱.

## تحلیل و واکاوی مبانی فطری تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی

- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹). منظر مهر: مبانی تربیت در نهج البلاغه، تهران: انتشارات دریا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم.
- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد. (۱۳۹۱). مفردات راغب، قم: دارالعلوم.
- شاه آبادی، آیت الله محمد علی، (۱۳۶۸). کتاب حدیث عشق و فطرت، مجموعه مقالات درباره آراء حکمی معرفتی، سازمان انتشارات، صفحات (۳۳، ۱۱۵، ۲۵۸).
- شرتوتی، سعید، (۱۴۰۳) اقرب الموارد فی فصیح العربیه والشوارد، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ج ۳.
- شکوهی، غلامحسین. (۱۳۸۳). تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- شهامت، احمد؛ رهنمایی، سیداحمد. (۱۳۹۴). بررسی ویژگی ها و ابعاد فطرت از نگاه قرآن، معرفت، ۲۴(۸): ۲۹-۴۴.
- صدرالمتالهین شیرازی، محمدابراهیم. (۱۳۶۰). شواهد الربوبیه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۲). تفسیر المیزان، ترجمه‌ی محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات موسسه‌ی نشر اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۹)، مجمع البیان فی التفسیرالقرآن، تهران: ناشر فراهانی.
- قدیمیاری، معصومه. (۱۳۹۵). تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع) و برنامه آموزش «فلسفه و کودک»، نشریه فلسفه و کودک، (۱۴): ۲-.
- قرآن کریم (۱۳۸۴)، ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
- قطب، محمد، (۱۳۶۲)، روش تربیتی اسلام و کاربرد عملی آن، مترجم: دکتر محمود ابراهیمی، تهران، جلد ۲.
- لیث واسطی، عل بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ، قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار (۱۳۹۲). تهران، انتشارات علمیه اسلامیة.
- محمدی آشنانی، علی؛ (۱۳۹۲)، جامعه آرمانی قرآن کریم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ اول
- محمدی، روح الله؛ فقهی زاده، عبدالهادی. (۱۳۹۵). مبانی انسان شناختی روش تربیتی قرآن و حدیث در بعد اجتماعی، آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ۲(۱): ۱-۱۸.
- محمدی، یحیی، کیخا، علیرضا، علیپور مقدم، خدیجه. (۱۳۹۵). طراحی برنامه درسی متعادل با رویکرد برنامه‌ریزی درسی فطری و معنوی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۴(۳۲): ۱۰۹-۱۳۵.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۳). فطرت، چاپ بیست و هفتم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). مجموعه آثار، جلد بیست و هفتم، تهران: صدرا.

ملکی، حسن. (۱۳۹۳). برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)، ویراست دوم، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات پیام اندیشه.

ملکیان، مصطفی. (۱۳۷۹). تاریخ فلسفه غرب، جلد چهارم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

موسوی فراز، سید محمدرضا. برهان فطرت. معرفت، ش. ۶۲، صص ۳۲-۴۱.

نجفی، مسلم وحسینی شاهرودی (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی رابطه معنای زندگی با فطرت از نگاه علامه طباطبایی و کرکگور، دوره ۸، مجله علمی-پژوهشی الهیات تطبیقی، شماره ۱۷ : ۱-۲۸.

همتی فر، مجتبی و فرمهینی فراهانی، محسن (۱۳۹۳)، تبیین مبانی، اصول و روش های اصلاح الگوی مصرف با تأکید بر متون اسلامی، پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، شماره ۶: ۲۵-۴۸.

Cohen, Jonathan (2006). Social, Emotional, Ethical, and Academic Education: Creating a Climate for Learning, Participation in Democracy, and Well-Being. Harvard Educational Review Vol. 76 No. 2 Summer 2006.

Gresham FM., Elliot, SN. (1990). Manual Social Skills Rating System. Circle Press M.A American Guidance Services.

Gresham, FM. (1981). Assessment of children's social skills, Journal of School Psychology, 19(2):120-133.

Lin, N. (1999). Building a Network Theory of Social Capital, CONNECTIONS, 22(1):28-51.

Ocal, Tulay (2012). Necessity of Cultural Historical Heritage Education in Social Studies Teaching. Creative Education Vol.07 No.03, Article ID:64494, 11 pages [10.4236/ce.2016.73039](https://doi.org/10.4236/ce.2016.73039)

Zaidieh, Ashraf Jalal Yousef (2012). The Use of Social Networking in Education: Challenges and Opportunities. World of Computer Science and Information Technology Journal (WCSIT). Vol. 2, No. 1, 18-21.

## Analysis and analysis of the underlying foundations of social education during the elementary period

Habibollah Kord \*<sup>1</sup>

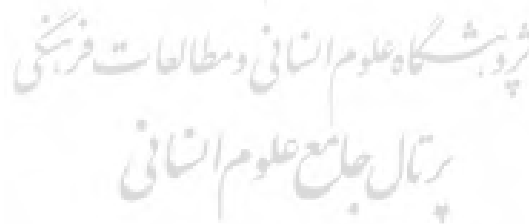
Mansoureh Jalili <sup>2</sup>

Mokhtar Kurd <sup>3</sup>

### Abstract

The purpose of the present research is to investigate the underlying foundations of social education in the elementary period, the innate affairs of the same kind of capital, which is associated with the early creation of man, since innate capacities in the elementary period have not yet been activated, and in the form of communion and impudence in This course requires a suitable environment (Secondary Nature) and in the elementary period of potential human potentials along with proper education, the child's personality grows, which is some of the inalienable affairs of social capital and capabilities, and the flourishing of this The talent is informed by the trainer, so that he can flourish in the social education that exists in everyone's everyday life. The research method was combined (exploratory-deductive) in order to answer the research questions using a descriptive-analytical method and a survey of experts. Which is used by two questionnaires and semi-structured interviews. Findings suggest that proper education with a fit of human nature and a suitable mentor for the prosperity of socialization talent and attention to all dimensions of education can lead to the development of flourishing talents. And to ensure the happiness of the individual.

**Keywords:** Fetal Basics, Education, Social Education



<sup>1</sup> Ph.D. Curriculum Studies, Professor of Campus Resalat, Farhangian University of Sistan and Baluchestan Province, Zahedan. Kord.habib90@yahoo.com

<sup>2</sup> Mansoureh Jalili, Faculty Member of Farhangian University, Resalat Campus. Jalili.mansoure@gmail

<sup>3</sup> Expert in General Psychology Mokhtarkord188@yahoo.com